۲۴۶ - ياران نورانی من

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ۲۴۶ - ياران نورانی من

ياران نورانی من، در اين ليل ظلمانی از هاتف پنهانی ندائی بسمع روحانی رسيد که ای مشتاق وقت آنست که بذکر اهل وفاق پردازی و بياد ياران نيّر آفاق افتی احبّا را سبب فرح و سرور گردی مستمعان را نغمه طيور بشنوانی آهنگ بديعی بلند کنی و نغمه جديدی در چغانه و چنگ بر افرازی تا قلوب باهتزاز آيد و جانها بانجذاب افتد و دلها پر از التهاب گردد و گوشها سرود از سروش ملأ اعلی شنود زبانها ناطق گردد وجوه بارق شود نفوس نخل باسق گردد و در استقامت و ثبوت جبل شاهق شود وجد و طرب احاطه کند غم و اندوه ازاله گردد چشمها اشکبار شود و رخها پرانوار گردد سکون مبدّل بجنون شود و صبر و قرار منقلب باضطرار گردد اسرار آشکار شود خفته بيدار گردد پژمرده تازه شود مضطرب آسوده گردد محروم محرم راز شود مجنون عاقل و هشيار گردد کور بينا شود و کر شنوا گردد مخمود آتشبار شود مفقود پديدار گردد. ای ياران وقت بيداريست نه خواب زندگيست نه ممات زمان حرکتست نه سکون وقت هوشمنديست نه جنون عصر جمال مبارکست قرن اسم اعظمست آهنگ بديعست لحن جديد است گلبانگ طيور است گلشن حبور و سرور است وقت را غنيمت شماريد و فرصت را از دست ندهيد تا توانيد بتابيد و بشتابيد و بربائيد و بيارائيد و بياسائيد جانفشانی کنيد مهربانی نمائيد آسمانی گرديد يزدانی شويد ملکوتی گرديد لاهوتی شويد تا نتيجه ئی از حيات بدست آريد و ثمره ئی از شجره وجود ببار آريد.

